

## حدوث و قدم در تکوین فلسفه آفرینش در ایران قدیم ذوات طبیعی، مصادر آفرینش

۱- مسأله حدوث و قدم در امر تکوین، به موجب مآخذ و مستنداتى که باقى است، یکی از مسایل پردامنه فلسفى، اساطیری و دینی در ایران باستان است. بیشتر در مباحث، تکیه بر ثنویت و منشأ دوگانه صدور در آفرینش بوده است. اما ثنویت یکی از وجوه شناخته شده و تأکیدی است و شاخه‌ای از این مبحث محسوب می‌شود. از سوی دیگر باید اشاره کرد که جریان‌های فلسفی و دینی و داستانی گوناگونی در مطالعه کلی مسأله دریافت می‌شود، و این ناشی از جریان‌های گوناگونی است در دین و اساطیر و فلسفه که به صورت يك بنیاد ترکیبی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این جریان‌ها عبارتند از: ۱- دین قدیم ایرانی آریایی. ۲- دین زرتشتی. ۳- دین یا آیین مغان. ۴- جریان فلسفی اساطیری زروانی. ۵- دین مابوی. ۶- دین مزدکی. در کنار این‌ها، باید موارد دخیل و مؤثر از بیرون را نیز به شمار آورد. در این مبحث، تنها به مآخذ اوستا اشاره شده و مستندات از این مجموعه ترکیبی است، بدون پرداختن به منابع دیگر - که اهم آنها مآخذ پهلوی دوران ساسانیان و پس از آن است که پرتو روشنی به مسایل مطروحه در اوستا افکنده و در توضیح مبهمات آن است.

به طور کلی در امر مسأله تکوین در ایران قدیم، به چهار جریان کلی باید توجه داشت: ۱- آفرینش نیک که مصادر آن اهورامزدا و خدایان یا ایزدان دیگر عصر آریایی هستند. ۲- آفرینش اهریمن که مصادر آن زیانکاران و دیوان که از عمال اهریمن هستند، می‌باشد. ۳- نگاهبانی این دو آفرینش و سرپرستی آن و نظارت یا دخالت در در آن که توسط خدایانی چون *vayu* و *deu* خداوند توانای باد انجام می‌گیرد. خداوندی که همزاد و جفتی به نام خود دارد که در شمار دیوان و از یاران اهریمن است، - و فروشیان، که یادگار دوران نیاگان پرستی است. و این ارواح نیز نگاهبانان و سرپرستان آفرینش هستند. ۴- جریان عناصر و ذواتی طبیعی که بیرون از حیطه اثر مصادر آفرینش بوده و خالقی ندارند، بلکه از آغاز بوده و خواهند بود.

قدیم بودن دو نیرو یا دو مینو در گائاه‌ها (ها ۳) به وضوح روشن است و در آن تردیدی نیست. اما هرگونه بحثی در مورد اوستای قدیم (سرودهای زرتشت، گائاه‌ها) و اوستای نوین (سایر بخش‌ها، اوستا) بیانگر يك اصل کلی است: «گائاه‌ها بنیاد نویند یا

اوستای زرتشت است. سرودهای جشن ایزدان (یشت‌ها) و آیین و داد و نداد از سراینده گائوها نیست. سرودهای جشن ایزدان از زمان بنیاد کهن به یادگار مانده و با رنگ زرتشتی به ما رسیده است. همچنین آیین‌های و نداد و ماندن آن پیش از زرتشت و در زمان او رواج داشته و سپس با دین معنوی زرتشت در آمیخته است. این دستورها برای آن زمان سودمند بوده و...»<sup>۱</sup>.

در فرگرد نخست از و نداد، دو مصدر آفرینش، در برابر هم و با تعارضی سخت در کار تکوین ملاحظه می‌شوند. این دو عامل تکوین یکی اهورامزدا و دیگری انگرماین یو *Angra-mainyava* هستند. هر چه آن یک می‌آفریند، روشنی، نیکی، سودمندی است و هر چه این یک در تعارض و مقابله و ضد آفرینش پدید می‌آورد، تاریکی، زشتی، و زیانمندی است. برای امر آفرینش این دو معارض مینوی و قدیم، واژگان نیز در تعارض و ضدیت است. آفرینش اهورامزدا با اصطلاح فرّ - نوَرس *Fra-thwares* (= آفریدن) و تکوین به وسیله اهریمن با اصطلاح ویژه فرّ - کرنت *Fra-karent* مشخص است.<sup>۲</sup> این هردو آفرینش توسط «ویو» ایزد نوینی که صورت کهن قدرت مند خداوند باد و هوا، یعنی «ویو» بوده است اداره و تنظیم می‌شود.<sup>۳</sup> از دیگر سو فرّوشی *Fravashi* ها، نگاهبانان و یاوران آفرینش نیک هستند و از قدرت آنان است که این آفرینش و این بخش از آفرینش حفظ شده و پایدار است.<sup>۴</sup> اهورامزدا خود به زرتشت می‌گوید «فرورهای توانای پیروزمند به باری من آمدند و مرا یاری کردند...»<sup>۵</sup> و درجایی دیگر اهورامزدا خود از این دو آفرینش یاد می‌کند.<sup>۶</sup>

II - در این زمینه کلی، در پایان نیز اشاره‌ای خواهد شد. اما در مسأله تکوین، نخست به ذوات طبیعی باید اشاره شود. ذواتی که در قلمرو آفرینش هیچ مصدری از مصادر آفرینش جان نداشته و خود آفریده، قدیم، ابدی - ازلی هستند. این ذوات طبیعی با اصطلاح خودآفریده یاد شده‌اند. این اصطلاح به صورت مرکب خودآنگه *Khva-dhāta* یاد شده، یعنی خودآفریده.<sup>۷</sup>

ذوات طبیعی محدث نیستند. قدیم می‌باشند. نه دایره قدرت اهورامزدا آن‌ها را محیط می‌کند نه دایره نفوذ اهریمن و دیوان و ذوات شر. اثر نفوذ اندیشه‌های فلسفی زروانی - مغانه در این اغتشاش‌ها به نظر می‌رسد. چنانکه اشاره شد از دیدگاه فلسفی، یا فلسفه تکوین، تنها تثبیت در ایران قدیم مطرح نیست، بلکه مصادر آفرینش متنوع است.

«ثواشه» که مفهوم جو، اثیر یا فضای بی کران را دارد، خودآفریده است. ایزد و خداوندی است از یاوران مهر؛ چون بنا بر «مهریشت» مهر، نور و روشنائی خورشید است که در فضای بی انتها و بی کرانه منتشر می‌شود.<sup>۸</sup> علاوه بر «ثواشه»، عناصر یا ذواتی دیگر که خودآفریده هستند، «روشنائی بی پایان» *Anaghra-raoachangh* آنغر - رُاچنگه - همستان *Hamestakān* یا برزخ<sup>۹</sup> نیز خودآفریده، هستند.<sup>۱۰</sup> به موجب خورشیدنیایش، بند هشتم - «ثواشه» و «زروان» (= زمان، دهر) نیز خودآفریده هستند. به موجب باور زروانیان، زروان یا زمانه خداوند بزرگی است که اهورامزدا و اهریمن فرزندان

توأم وی هستند. زروان نیز که زمانه بی کرانه است نیز خالقى نداشته و بی آفریننده می باشد. فضا و زمان در دایره خلقت نمی گنجد، پس «میسوانه» یا برزخ نیز در قلمرو آفرینش نبوده و خود آفریده است»<sup>۱۱</sup>. چون نه بهشت است با ویژگی های آن که در تقسیم خلقت در حیطه اقتدار اهورامزدا و حواریون وی باشد و نه دوزخ است. میزات اهریمنی و دیوان<sup>۱۲</sup>، روشنی طبیعی نیز چون روشنی روز و خورشید خود آفریده است<sup>۱۳</sup>.

III- اهورا آفریده در اوستا با عنوان *ahura-dhata* «أهورک - داتَه» مطرح است. در اوستا، نیز در گائاثا، گاه از خداوند با نام «أهورک» *Ahura* یاد شده، گاه «مَزدا» *Mazda*، گاه اهورمَزدا و گاه مزداهورا. این نشئت، آن چه را که مسلم می رساند، اهورا و مزدا نام دو خدای بزرگ و مورد توجه بوده است که نام هر یک به تنهایی بارها آمده - هنگام ترکیب و ادغام، گاه این مقدم و گاه آن مقدم بوده است. این پژوهش و بحثی است پیرامون مسایل مربوطه که از گنجایش این نوشتار بیرون است و در فرهنگ های مورد اشاره و استناد، می توان به روشنی موارد یاد شده را یافت. اما آن چه که مورد توجه است این که هر یک به تنهایی مصدري برای آفرینش بوده و بخشی از کارکرد خلقت را به عهده دارند.

در این ترکیب ها، جزء دوم «داتَه» *dāta* می باشد که صفت مفعولی است به معنی آفریده، ساخته از ریشه *dā* به معنی: ساختن، آفریدن. بهرام یا «ورثَر غنه» *Verethraghna* که ایزد جنگ و پیروزی است، آفریده اهوراست و در یشت چهاردهم بارها این امر تکرار شده است<sup>۱۴</sup>. اهورا این ایزد را آفریده تا همواره مسلح و زیناوند برای حفظ و صیانت مزدیسنان و دین اهورایی آماده باشد. زمین نیز در مواردی اهورا آفریده معرفی شده است. اهورا زمین را آفریده، اما با مباشرت و یاری ارواح نیکان (= فروشی ها) آن را اداره می کند<sup>۱۵</sup>.

در بسیاری از موارد اوستا، اهورامزدا را چنین مورد خطاب است: «ای دادار گیتی جسمانی، مادی یا استخوانی / *dātāre.Gaethanānm.Astavaitinānm*. زرتشت مرتب از اهورامزدا، هنگام پرسش، خداوند را آفریننده جهان مادی و جسمانی خطاب می کند - به همین جهت این بخش از آفرینش شمولى دارد بر زمین و نیز ایزد بهرام - خداوند نیرومند زمان هندوایرانی که محافظ این آفرینش است.

IV- بخشی دیگر از تکوین توسط مزدا انجام یافته است. قلمرو قدرت مزدا بیشتر است. صفت و اسم مزداپرستی و مزداپرست *مَزْدَیَسَنی*، *مَزْدَیَسَنی* *Mazdayasni* بارها در اوستا آمده است. به طور محتوم میان این دو نام و دو خدا تفاوت و تفرقی وجود داشته، اما سرانجام در بستر زمان، ادغام شده و صورت نهایی آن اهورامزدا، با تقدم اهورا شده است. اما دین نیک مزداپرستی، صورت مشخص تری دارد. در این جا، مجال بحث و تحقیق در صورت تفکیک این دو خدا نیست، چون تنها توجه معطوف به مصادر آفرینش و حدود و قدم در فلسفه ایران قدیم است. چنانکه اشاره شد، هر گاه در جست و جوی قدیم بودن و غیرمحلث بودن در تکوین باشیم، بنا بر گائاثا، دو نیروی توأمان خوبی و بدی (سپتامینو، آنگسرمینو) قدیم هستند و هر چه دیگر هست از برخورد این دو

به وجود آمده‌اند لاغیر. در آیین زروانی، زروان عنصر قدیم است و اهورا و اهریمن محدث و آفریده‌ی وی هستند. در فلسفه کهن پیش از زرتشت، عناصر و ذوات خودآفریده قدیم هستند. در مجموع ترکیبی آیین‌ها و دین‌های ایرانی، مسأله تکوین بر اساس تعارض، ستیزه و قدرت‌نمایی خدایان و دیوان است که شکل یافته. در این آیه از «یستا» قابل تعمق است که:

«اهورامزدا به زرتشت گفت: بستای دین نیک مزداپرستی را. بستای امشاسپندان را که در هفت کشور زمین هستند. بستای «ثواشه» خودآفریده را، و زروان بی‌کرانه را. بستای هوای کارگردر بالای زمین را، بستای باد (= وائَه - *Vāta*) و زنده‌ی مزداآفریده را؛ و سپندارمذ دختر زیبای اهورامزدا را»<sup>۱۶</sup>.

«دژواشپه» *drvāspa* ایزد نگهبان چارپایان نیز آفریده‌ی مزداست<sup>۱۷</sup>. قلمرو این دو مصدر، در امر تکوین جداگانه، مشخص و محدود و تفکیک شده است. هر نوع برهان آوردن برای وحدت کلی این دو، فقط احتجاج است، چون تنها در آخرین سنوات دوران ساسانی و پس از آن بود که نام این دو خدا وحدتی پیدا کرد. علم و دانش (= چیسته *chista*) نیز مزدا آفریده است. نام «چیستا» که صورت مؤنث اسم است و ایزد دانش می‌باشد از آفریدگان مزداست<sup>۱۸</sup>. قر (= خورته *khvarena*) نیز مزدا آفریده است<sup>۱۹</sup>. «قر» نیرویی نادیدنی و مجرد است که هر گاه مزدا اراده کند و به کسی پیوندد، آن کس از نیرویی فوق‌العاده و ایزدی برخوردار می‌شود.

راه عبور خورشید و خط سیر آن در آسمان نیز مزدا آفریده است<sup>۲۰</sup> و درخت «گئو - کیرنه» *Gao-kerena* که میان دریای «وئورو - کشه» *Vouru-kasha* (= فراخ کُرت) اندر است، نیز توسط مزدا برای حفاظت بخشی از آفرینش آفریده شده است که آن را «هوم‌سپید» نیز گویند<sup>۲۱</sup>. چینود *chinavad* (= پل صراط، پلی که ارواح باید از آن بگذرند) نیز توسط مزدا آفریده شده است. به این معنی که سرنوشت نهایی ارواح در حیطة قدرت مزداست<sup>۲۲</sup>.

آفریدگار آب‌های پاک و زندگی‌ساز نیز مزداست<sup>۲۳</sup>. اشاره شد که قلمرو مسأله تکوین در اقتدار مزدا گسترده‌تر از سایر خدایان است، و همواره در این یادکردها، سخن از مزداست، نه اهورا - یا اهورامزدا - چون در آن زمینه جداگانه یاد شده است. به موجب آیه‌ای از یشت‌ها، کوه‌ها نیز مزدا آفریده هستند:

«باروژ (زاثر *zaothra*) و برسم می‌ستایم کوه «اوشیدرنه» *Ushidarena* مزدا آفریده را، و همه کوه‌های آسایش بخش را که آفریده‌ی مزداست. می‌ستایم «قرکیانی» *kavaenem khvareno* مزدا آفریده را، و «قر» پیروز دست‌یافتنی مزدا آفریده را»<sup>۲۴</sup>.

ایزد «گوش» (= گئوش *Geush*) ایزد نگهبان چارپایان نیز مزدا آفریده است<sup>۲۵</sup>. این که به طور محتمل، اهورا خدایی، و مزدانیز دیگر خدایی است، در مجموعه ترکیبی اوستا که پرداخته‌ی مغان یا موبدان زمان ساسانی است به روشنی نمودار است. «می‌ستایم مهر را که دارنده دشت‌های گسترده است... ایزدی که از نیروی

زمان و از فرّ (= خورنه) مزدآفریده و از پیروزی (= ورتژنه، بهرام) اهورا آفریده برخوردار است»<sup>۲۶</sup>.

دعای مقدس - یادعای شکنندهٔ سحر و جادو (= *Vacha-Bramra vāni*) از آفرینش مزداست. ویو *Vayu* که یکی دیگر از ایزدان (= خدایان) نیرومند و به‌شکلی که ملاحظه خواهد شد، حافظ آفرینش ضدین است، به‌زرتشت می‌گوید هر گاه تو ستایش مرا به‌جای آوری، تو را از دعای مقدس مزدآفریده آگاه می‌کنم، به‌شکلی که هر گاه آن را تلاوت نمایی، اهریمن پرمرگ از تو دور گردد و به‌تو نه جادو کارگر شود و نه بدخواهی دیوان و مردم بد<sup>۲۷</sup>. البته در سرودهای ستایش که دربارهٔ خدایان قدیم آریایی است، این‌گونه خطاب‌هایی شود که هر گاه در متن مراسم ستایش و عبادت دربارهٔ *Mithra*، بهرام، ویو و... انجام شود، پیامبر به پیروزی‌هایی از سوی این خدایان دست خواهد یافت. «مزد» خود که آفرینندهٔ فرّ و نیروی چیره‌گی آفرین است، این فرّ را در اختیار «اهورا» قرار می‌دهد تا اهورا با برخوردار از آن بتواند به تکوین پرداخته و سهم خود را انجام دهد، چون بدون برخوردار از این فرّ، کسی را نیروی لازم جهت چنین کار آمدی‌ها نیست<sup>۲۸</sup>. در یشت نوزدهم به ترتیب ملاحظه می‌شود که فرّ - به امشاسندان، ایزدان و خدایان طبیعت، هوشنگ پیشدادی، تهمورث و جمشید متعلق بود. هر يك با برخوردار از این نیروی مزدآفریده، شگفتی‌ها کردند. اما اگر کسی از راه راست منحرف می‌شد، فرّ از او به فرمان مزد می‌گسست و بدون برخوردار از فرّ (= مانا *Mānā* میان قبایل ابتدایی) آن کس دیگر کارایی نداشت. جمشید چون از راه راست منحرف شد، به این جهت فرّ از او به پیکر مرغ ورتژنه *Vareghna* (= شاهین، فرّوه‌سر *Fravahr*) بیرون شد و «میشر» (= مهر) خداوند و بَخ بزرگ از جملهٔ یگان (= به موجب عبارت صریح یشت دهم، بند ۱۴۱) فرّ را بگرفت<sup>۲۹</sup>، و این انتقال فرّ هم‌چنان ادامه پیداست می‌کند. برای برخوردار از نیروی فرّ و تکمیل تکوین در روایات ایرانی، پس از این که فرّ به گرشاسپ رسید و از او نیز به‌موجب خطا بگسست، سپندمینو و انگرمینو برای تصاحب و برخوردار از آن به مبارزه و ستیزه پرداختند. در این میان آذر (= *ātar*) مزدا - اهورا، یعنی آذر که پسر مزدا - اهوراست در رسیده و با مدعیان تصاحب فرّ که اژی‌دهاک و سپندمینو و انگرمینو بودند به‌منازعه پرداخت. اَکَمَنَه (= منش بد *Akamana*) از طرف اهریمن، و آذر (= آتش) و «وهُومن» و «اردیبهشت» از سوی سپندمینو در جنگ شرکت کردند. باید اشاره شود که از فرستادگان اهریمن دیو خشم (اَشْم *Aeshma*) و اژی‌دهاک نیز بودند<sup>۳۰</sup>. البته دنبالهٔ این اسطوره بسیار جالب است، اما از مسألهٔ مورد نظر، یعنی آفرینندگان ضدین که برای توسعهٔ آفرینش جهت دستیابی به فرّ می‌جنگند بیرون می‌رود.

در یشت چهاردهم - نیز از آفرینشی که ویژهٔ اهورا، و آفرینشی که ویژهٔ مزداست یاد شده: «به سوی زرتشت برای دهمین بار بهرام اهورا آفریده، به پیکر مرد زیبای مزدآفریده‌ای جلوه کرد...<sup>۳۱</sup>» اما باین که در این‌جا اشاره است به نسبت آفرینش انسان توسط مزدا، در جایی دیگر، اشاره است که انسان توسط «اَپَم نپات» *Apam-na pāt*

ایزد یا خداوند آب‌ها آفریده شده است.<sup>۳۲</sup>

ایزد «سُوکَه» *saoka* (= ایزدخوشی و آسایش و فراخی) نیز از آفریدگان مزداست. آبشار رود «رَنگَه‌ها» *Ranghâ* را هم در شمار آفریده‌های مزدا باید به شمار آورد.<sup>۳۳</sup> درختان، گیاهان (= زندگی نباتی) نیز از آفرینش مزداست.<sup>۳۴</sup> دربهینه آسمان نیز ستارگان آفریده مزدا هستند:

«تشر ستاره شکوه‌مند خُرَه‌مند را می‌ستاییم. سَتَه‌وُئِسَه *Sata-vaesa* توانای مزدا آفریده را می‌ستاییم که فراز آورنده آب است، همه ستاره‌های دربر دارنده تخمه آب را می‌ستاییم... وُئِتَت *Vanant* ستاره مزدا آفریده را می‌ستاییم. آن ستار هفتورنگ «هَبِتَه‌ایرینگگ» *Hapta-iringa* مزدا آفریده را می‌ستاییم که خُرَه‌مند است و درمان‌بخش است از برای ایستادگی کردن بر ضد جادوان و پشیریکا *Pairikâ* (= شهاب‌ثاقب)‌ها»<sup>۳۵</sup>.

زنان پاك و پارسا از آفرینش مزدا می‌باشند.<sup>۳۶</sup> و این چنین است قلمرو وسیع آفرینش مزدا، و در بعضی موارد سراسر آفرینش نیک سووند مزدا - بدون یادکرد نام موردستایش قرار گرفته است، که شامل آنچه یاد شد می‌شود.<sup>۳۷</sup> اما تثمت در اسناد بعضی از مواد آفرینش و مصادر تکوین نیز به نظر می‌رسد. چنانکه در بالا یاد شد از آفرینش انسان هم از مصدر امر به عنوان مزدا - و هم «آپام - نپات» و هم در جاهایی دیگر - اهورامزدا یاد شده است. چنانکه آفرینش ستارگان به مزدا منسوب است، چنانکه گذشت و مصدر آن سپنتامینو نیز معرفی شده است.<sup>۳۸</sup>

V - سَپَنَتَو - مَیِنِیَوُ *Spenio mainya* با «سپنتامینو» نیز از مصادر آفرینش است. هر چند در اوستای نوین کمتر به عنوان یکی از مصادر تکوین به وی عنایت شده است، اما بی‌گمان در بخش‌های ازدست رفته اوستا نقش فعال‌تری داشته است که این از «دینکرد» *Dinkard* به خوبی برمی‌آید - هر چند اشارات بازمانه نیز قلمرو وسیع وی را به روشنی می‌نمایاند. در گاناها، دو عنصر قدیم یا دو مینوی غیرمحدث که آغاز و انجامی ندارند و ضدین بوده و همواره خواهند بود، سپنتامینو و آنگرمینو هستند. اما این تقابل که اساس ثنوتی استوار را ارائه می‌کند در اوستای نوین، به ویژه فرگرد نخست «وُندیداد» میان اهورامزدا و اهریمن است که هر دو فعال و آفریننده هستند و یکی جلوکار آن دیگری را نمی‌تواند سد کند. سپنتامینو به موجب شواهدی که در دست است در کار تکوین فعال است. «دروج نَسو» *Druj-nasu* یا دیودروج که دیو لاشه و مرده است و یکی از خطرناک‌ترین دیوان معرفی شده از عاملان اهریمن می‌باشد. برای تقابل و معارضه با این دیو، سپنتامینو، کرکس را می‌آفریند که لاشه خوارترین پرنندگان است و لاشه مردگان را می‌خورد تا از انتشار قدرت و نفوذ مخرب دیو نَسو جلوگیری کند.

«سَپَنَتَو - مَیِنِیَوُ - دامن» *Daman* به معنی سپنتامینو آفریده است «دامن» از لحاظ دستوری خشنی و جمع و در حالت اضافه است یعنی آفریده، خلق شده، آفریده شده. کرکس آفریده سپنتامینوست. به موجب اوستا «اگر کسی مرده را به تنهایی حمل کند، یکی از بزرگترین گناهان را مرتکب شده. به دستور شرع باید در يك زندان محقر با

حداقل خوراک بد و لباس مندرس، با خشونت آن قدر نگهداری شود تا به سن کهولت رسد و ناتوان شود. آن گاه از سوی حوزه قضایی موبدان، یک دژخیم ورزیده و نیرومند که از خود موبدان و کاردان این کار است وی را بر فراز برجی ویژه برده و سر می برد و لاشه اش را به پایین می افکند تا خوراک کرکس *Karkasa* شود که آفریده سپنتامینوست و پر خوارترین پرندگان لاشه خوار است.<sup>۳۹</sup>

همین نوع اعدام، برای موبدانی نقل شده که در وظایف خود قصور کنند یا آگاهی شان درست و دقیق در فقه و شعایر و حدود شرعی دین نباشد. هر گاه موبدی که کارش تسفیل گناهکاران بود و نمی توانست «برشنوم» *Bareshnum* یا غسل پسرطول و تفصیل را که با شاش گاو و خاک مالسی مطابق آداب شرعی انجام دهد، حوزه قضایی موبدان پس از محاکمه، دستور می داد تا حد شرعی و دینی که همان سر بریدن بود، مطابق آن چه گذشت در باره اش انجام شود.<sup>۴۰</sup> سگ نیز در شمار لاشه خوارانی است که آفریده سپنومینوست. انواع سگ ها از آفریدگان سپنتامینو و تحت توجه و عطوفت وی هستند و کشتن سگ ها در بعض موارد تا هزار ضربه شلاق حد شرعی داشت و کشتن سگ آبی مستوجب عقوبت مرگ است. چنانکه اشاره شد مسأله آفرینش در اوستا بسیار متشنت است و گاه مصادر آفرینش، یعنی خدایان در کار هم مداخله می کنند که اشاره شد آفرینش انسان و آفریش ستارگان توسط دو خدا انجام شده است. آفرینش ستارگان نیز از سپنتامینو می باشد.<sup>۴۱</sup>

VI - بگو - داده *Bagho-data* بگ آفریده، خدا آفریده. بگ به معنی خدای باشد. در خود اوستا این کلمه بارها به معنی خدا آمده است.<sup>۴۲</sup> در کتیبه های هخامنشی نیز عنوان اهورامزداست که در آغاز هر کتیبه ای نقل است: بگ بزرگ اهورامزدا یا اهورامزدا بزرگترین بغان است. در منابع پهلوی و فارسی نیز «بگ» به معنی خداست. در اوستا این کلمه به معنی «بخش، بهره، قطعه» نیز آمده که آن موارد روشن و گویاست. ایزد نیز به معنی خداست. در خود اوستا ایزد به معنی خدا آمده و ایزد، یزدان، یزد نیسز، چون بگ در همه منابع اوستایی تا فارسی کنونی به معنی خداست و اهورامزدا خود بزرگترین ایزدان است؛ خطاب به ایزد یا خداوند والا «آشی» *Ashi* (= اُرت) در اوستا آمده: «پدر توست اهورامزدا که بزرگترین ایزدان است»<sup>۴۳</sup> *Pitn Te . yō . Ahuro . mazdaō . yo . Mazishitō . yazatanānm*. و در دنیا آمده که: مادر توست سپندارمذ، یزادان تو هستند سروش نیک مقدس و رشن بزرگوار نیرومند و مهر... و در این جا اشاره به خانواده اهورامزدا، همسر و زوجة وی سپندارمذ که دختر وی نیز هست شده است که اشاره به مسأله خیتوکس، که نوع ازدواج پدر با دختر می باشد شده است.<sup>۴۴</sup> پس «بگ» و «ایزد» هر دو به معنی خداست و این عنوان برای اهورامزدا نیز آمده است. در اوستا وی بزرگترین ایزدان و در فارسی باستان بزرگترین بغان است. خدایان و زن خدایان یا ایزد بانوان در اوستا چون: آشی، ماه، مهر، تشر، آناهیت، خورشید، آذر، آپم نبات (آفریننده انسان)<sup>۴۵</sup> و... همه از خدایان، ایزدان یا بغان هستند.

پس عنوان ایزد یا بگ به معنی خداست و اهورامزدا نیز یکی از بغان یا ایزدان

است و گاه بزرگترین بَیغ یا ایزد. ایزدان در یشتها و دوسوی روزة کوچک و بزرگ همه خدایان یاد شده در اوستا هستند. به موجب «مهریشت» به روشنی آمده که بَیغ مهر «در میان بغان (= خدایان) دانا ترین یا خسر مندترین است...»<sup>۴۶</sup>. *baghānm. asi. ask.* *khrahwastemō* «بَغَانَم. اَسْتی. اَش. خَرَوُشْتَمَو». در یسنا با روشنی خود اهورامزدا بَیغ نامیده شده<sup>۴۷</sup>، و در جایی دیگر هو *Haoma* آفریده یکی از بغان است<sup>۴۸</sup>. چه از لحاظ واژه‌شناسی، چه سابقه تاریخی کاربرد اسم و چه تصریح متن اوستا و منابع فارسی باستان و پهلوی و ترجمه پهلوی اوستا و زبان فارسی رایج، بَیغ به معنی خداوند است. ذوات طبیعی و عناصر اغلب در شمار بغان و خدایان هستند. ماه، خود خدای عالی جنابی است. در ماه یشت، به صراحت ماه یکی از بغان یا خدایان است<sup>۴۹</sup>. اما اصطلاح موصوف در فوق «بَقَو» «دات» بَیغ آفریده. به این مورد اشاره است که بَیغ — علاوه بر معنی عام، یعنی «خدا»، عنوان ویژه‌ای برای یکی از خدایان نیز بوده است. در یشت پانزدهم «بَیغ» ستایش شده است<sup>۵۰</sup>. در سانسکریت نیز این واژه به معنی خدا آمده است. راههای آسمانی که ستارگان می‌نمایند از سوی «بغان» یا خدایان ساخته و راهنما شده‌اند<sup>۵۱</sup>، راه اصلی که خط راهنمای کهکشان یا راه آسمانی است، مزدا آفریده است<sup>۵۲</sup>، اما راه‌های دیگر برای مکان‌های گوناگون، از طرف بغان یا خدایان دیگر ساخته شده است<sup>۵۳</sup>. چنانکه اشاره شد، مهر در میان خدایان، خردمندترین آنان است. برای این که مرتبه خدایی مهر را که خردمندترین خدایان است در مقابل اهورامزدا تعدیل کنند، چون در همه یشتها، یکی دو بند در آغاز هر یشتی که سرودی برای یکی از خدایان است افزودند، در آغاز مهریشت، اهورامزدا به زرتشت می‌گوید که من مهر را در مقام ستایش، هم پایه خود آفریدم یا قرار دادم<sup>۵۴</sup> (= فرادذ *frādadhā*).

در یشت پانزدهم به نظر می‌رسد که به تحقیق، منظور از «بَیغ» دیو خداوند قدرت مند و بزرگ ایرانی است. اهورامزدا خود با فروتنی این خداوند بزرگ و نیرومند را در ایران و بیخ و کنار رود دائمی، عبادت کرده و مراسم اهدای نذورات را برایش انجام می‌دهد و از او درخواست می‌کند تا در مبارزه با انگرمینو (= اهریمن) در امر آفرینش پیروز شود و «ویو» نیز این درخواست و هدایای اهورامزدا را پذیرفته و ودعایش را بر آورده می‌سازد<sup>۵۵</sup>.

VII — دیو، به وضوح و روشنی، در مقایسه با اهورامزدا، از مقامی بسیار نیرومندتر و رفیع‌تر برخوردار است. در ادوار بعدی نیز حتی تحریف کنندگان اوستا نیز نتوانستند با دست برد این امر را لوک کنند. چنانکه ملاحظه شد، اهورامزدا با استغاثه به درگاه ویو، درخواست یاری می‌کند. آفرینش اهورامزدا و اهریمن، یا سپنتومینو و انگرمینو، هر دو زیر نظر «ویو» قرار دارد. خطاب به زرتشت می‌گوید: «... من هر دو جریان آفرینش را اداره می‌کنم. آن چه که آفریده سپنتامینوست و آن چه که آفریده اهریمن است... من به هر دو آفرینش نظارت می‌کنم... من به هر دو آفرینش پیروز می‌شوم...»<sup>۵۵</sup>. وی ناظر و دیدبان همه آفرینش است<sup>۵۶</sup>. در اغلب یشتها و در یسناها — مراسم قربانی کردن و عبادت اهورامزدا در برابر و پیشگاه خدایان دیگر نقل شده است<sup>۵۷</sup>.



از آن جهت به موجب الاهیات و خدانشناسی موبدان، هرمزد قدرتی چندان نداشت و تنها یکی از خدایان در کار آفرینش بود در «رجه دوم یا سوم که در «بندهش» به تصریح آمده است (بندهش، انکلساریا *Anklesaria*، ص ۲ - پژوهشی در اساطیر ایران، مهرداد بهار، ص ۴) : «هرمزد پیش از آفرینش خدای نبود، پس از آفرینش، خدای... فرزانه و ضد بدی و... شد» زمانه بی کرانه، زمان (= زروان، دهر) نیز پیش از اهورامزدا وجود داشت و قدیم است و هرمزد نسبت به آن محدث، اما هرمزد زمان کرانه مند یا زمان درنگ خدای را بیافرید چنانکه باید باشد که او را وای درنگ خدای (= وایو *Vayu*) فراز خوانند. آن گاه آفرینش را به یاری «وای درنگ خدای» فراز آفرید، زیرا هنگامی که آفرینش را آفرید، «ویو» نیز چنانکه بایست او را یاری کرد. ص ۶۵ - و به تأکید تکرار می شود که «هرمزد آفرینش را به یاری «وایو درنگ خدای» فراز آفرید».

به حال، بخ، آفریننده ای است، که بخشی از آفرینش توسط وی انجام یافته. روشنی بی پایان، روشنی ستارگان از آفرینش اوست ۵۸ و آن چه که در قلمرو این آفرینش است در مسأله حدوث و قدم، قدیم و ذوات طبیعی هستند. این قلمرو، بخشی خود آفریده است که بدان اشاره شد، چون کهکشانی (= *Merezu*) که خود آفریده قدیم است ۹۵، یا روشنی های طبیعی که از آفرینش بغان و خود آفریدگان قدیم محسوب می شوند.

VIII - زروان آفریده یا «زُر و و - داتسه» *zruo-dāta*. زروان به معنی زمان، زمانه، دهر، کهن سالی، یکی از بغان بزرگ ایرانی است که شیوهی دینی - فلسفی بسیار مهم در جریان فکری ایران، در مورد اوست. در اوستای نوین توجه کمتری به وی شده است که بر اساس کش مکش فکری در ایران عصر ساسانی است، زروان آفریننده راهی است که ارواح پس از جدایی از تن و حادثه مرگ، باید از آن راه بگذرند تا به چینوکد *chinavad* پل (= پل صراط) که مزدا آفریده است برسند ۶۰. البته زروان که مقامی شامخ داشته، و به نظر می رسد اشاره گائایی به دو میتوی همزاد، پایه و بنیادی است در ثنویت قدیم و اصیل زرتشت برای توجیه و تبیین فلسفی آفرینش و مسأله خیر و شر و پیدایش ماده. و این اصیل ترین جنبه اندیشه زرتشتی قدیم است. در فلسفه واساطیر زروانی، نیز زروان، یعنی زمان، پدر هرمزد و اهریمن است. باید این گونه اندیشید که فلسفه، اسطوره و دیانت زروانی بسیار کهن بوده باشد. در فلسفه تکوینی زروانی، «زمان - دهر» قدیم است و توأمان وی، یعنی هرمزد و اهریمن محدث. اما زرتشت گویا «زمانه بی کرانه» را حذف کرده و توأمان محدث در زروانیت را قدیم اعلام کرد که هستی و نیستی، یا زندگی و نازندگی را آفریدند. ۶۱

باری، زروان مورد عنایت موبدان نبود و در عصر ساسانی که این آیین گسترده و شمولی شگفت انگیز داشت، موبدان اصول و عناصر اصلی آن را اخذ کرده و در اوستای نوین وارد کردند، اما زروان را به نام حذف کردند - هر چند این آیین و زروانیان باقی بودند و حتی پس از سقوط ساسانیان به نام «دهریه» یکی از فرق بزرگ که تا چند قرن شناخته می شدند. در وندیداد، زروان را در یاد کرد، کنار دیو «ویز رشه» *Vizaresha* می یابیم، دیوی که جزو دیوان مرگ است. این دیو روان مردم بدکار را به بند کشیده و

از «راه زروان آفریده» که به «چینودپل» منتهی می‌شود، کشان کشان می‌برد. به هر حال در این‌جا، زروان به نوعی از عملة موت و دیوان مرگ است.<sup>۶۲</sup>

IX - دَئو - داڤه *daevō-dāta* = دیو آفریده. دیوان که از عملة و کارگزاران اهریمن در امر تکوین و آفرینش هستند، نیز به صورتی گسترده در امر آفرینش دخالت دارند، چنانکه خدایان دیگر نیز اهورامزدا را یاری می‌دهند. در زمان ساسانیان، اساس آموزش و پرورش فکری موبدان برای نوآموزان، در رساله‌ای که از پسر «آدربار مارسپندان» موسوم به «زرتشت» است باقی است. رئوس مطالب در این رساله بسیار مورد توجه است. ثنویت کلیتی تام و تمام داشته در مبانی اعتقادات، اما کثرت در امر آفرینش، نهایتاً به این ثنویت می‌رسید. هرچند که اوستا چنانکه گذشت بیانگر چیزی دیگر است و خدایانی چون «ویو» هستند که اهورامزدا خود به درگاهشان قربانی و استغاثه می‌کند تا در آفرینش به اهریمن پیروز شود. چنانکه اشاره شد این تشتت به موجب کشمکش‌های فراوان در عصر ساسانی است. در تأیید اندیشه گائابایی (پسنا ۳۰/۳/۴) در کتاب یاد شده آمده است:

... و برای نیز بی گمان بودن که نقطه آغاز دد است: یکی دادار (آفریننده) و دیگر نابودکننده.

دادار اورمزد است که همه نیکی است و همه روشنی؛  
و نابودکننده «گناک مینوک» *Ganâk-minuk* (= اهریمن) پلید است که همه بدی، پرمرگی، دروغ و فریب‌کاری است...<sup>۶۳</sup>

اما جز اهریمن که منشأ و آغاز یکی از دو بن و آفریننده قدیم است، دیوان نیز کوشا و فعال هستند. «آزی» *azi* یکی از آفریدگان دیو است و دشمن ایزد آذر می‌باشد. در آغاز شب، آذر پسر اهورامزدا به صاحب‌خانه خطاب می‌کند که وضو ساخته و آن‌گاه باچوب و هیزم پاک مرا بیفروز و مگذار تا آزی دیو آفریده مرا خاموش کند. و به سرش خطاب کرده گوید: باشد تا از جهان مادی کسی وضو ساخته و در آخر شب هیزم پاک بر من نهد تا شعله‌ور باشم و مگذار تا آزی دیو آفریده مرا خاموش کند.<sup>۶۴</sup> بعضی از صفات بد دیو آفریده است.<sup>۶۵</sup> انواع پلیدی‌ها، کثافت و آلودگی و ناپاکی (آهیتی *Ahiti*) دیو آفریده است.<sup>۶۶</sup> سرما دیو آفریده است. دیو «آککش» *Akatasha* که از عاملان اهریمن است، برای مقابله با اهورامزدا، سرما را می‌آفریند.<sup>۶۷</sup> «نسوش» *Nasush* دیو مرگ و دیو لاشه و مردار که مردم را در خود می‌فشارد و آلوده می‌کند نیز دیو آفریده است.<sup>۶۸</sup> زرتشت با پرخاش به اهریمن می‌گوید که ای بدگهر، من یکسره آفرینش دیوان را ویران می‌کنم.<sup>۶۹</sup> پس به شرحی که گذشت از اهورامزدا یاری می‌جوید و اهورامزدا به درگاه «دیو» خداوند قدرت مند ملتجی می‌شود. زرتشت نخستین کسی است که در جهان مادی اعلام کرد آن‌چه که از آفریده دیوان است قابل ستایش نیست.<sup>۷۰</sup> «ویداتو» *Vidhatu*، استو *Asto* (استو - ویداتو) دیو مرگ، دیوی که شکننده استخوان‌هاست، دیو آفریننده است.<sup>۷۱</sup> زمستان نیز چون حاصل آن سرماست، دیو آفریده می‌باشد.<sup>۷۲</sup> «آزی» *âzi* دیو حرص و طمع و شهوت نیز دیو آفریده است.

این آفرینش اهریمنی و عمله اهریمن یا دیوان، به شکل گسترده‌ای بسط می‌یابد. در نوشته‌های پهلوی، جنگ و ستیز و تقابل میان اهورامزدا و اهریمن و عمله و کارگزاران این دو، به تقریب قسمت مهمی را در بر می‌گیرد. بندهش در این میان بزرگترین سهم را دارد. این جهان و هستی و آنچه در آن است، حاصل ستیزه این دو خدای قدیم است و بن‌مایه اعتقادات مزدیسنی است. جنگ و ستیزی چون مطالب بندهش و... در فرگرد نخست و نندیداد و یشت نوزدهم و پانزدهم و... فراوان است. به همین جهت شکل ثنویت قاطع را در گائا، سوره سی‌ام که بر اساس قدیم بودن دو عنصر است می‌یابیم و شکل گسترده مصادر آفرینش و خدایان و دیوانی که مصدر آفرینش هستند در بخش اوستای نوین می‌یابیم.

### یادداشت‌ها:

برای آگاهی از موارد یادشده و مستندات بیشتر در مورد آفرینش‌های یاد شده، به ترتیب:

۱- شَوَ - ذاتَه ۲- اهورَ - ذاتَه ۳- دَبُو - ذاتَه ۴- زَرُو - ذاتَه ۵- بَسُو - ذاتَه ۶- مزدا - ذاتَه ۷- سَهَنَتَو - مَئین یو - به سه فرهنگ اساسی اوستا در زیر نگاه کنید. شماره صفحات (در فرهنگ فارسی باستان از بارتولومه، شماره ستون) که داده شده به ترتیب موضوع‌های یادشده است.

*Christian Bartholomae: Altiranisches Wörterbuch, Berlin, 1979: 1862, 293, 671, 1704, 922, 1159, 1622-23.*

*Kanga, K.E: Complete Dictionary Avesta Language, Bombay 1900: 139, 73, 242, 214, 364, 389, 548.*

*Ferdinand. Justi: Handbuch Der Zendsprache. Berlin, 1969: 86, 46, 144, 158, 209, 223, 305.*

برای ترجمه اوستا، گذشته از ترجمه: یسنا، یشت‌ها، ویسپرد، خرده اوستا از استاد پورداود، به توجه اوستای «ولف» رجوع شده است:

*Fritz. Volfe: Avesta Die Heiligen Bücher Der Parsen. Strasburg, 1960.*

### زیرنویس‌ها:

- ۱- سرود بنیاد دین زرتشت، دکتر محمد مقدم - ص ۱۰.
- ۲- وندیداد ۱۹، ۱۵.
- ۳- یشت ۵/۱۰، ۵/۱۳/۸۷. وندیداد ۷/۷۱ (کاربرد اصطلاح برای آفرینش اهورامزدا). وندیداد ۱۵، ۱۹-۱/۲، ۴، ۱۳.
- ۴- یسنا ۹/۸ - یشت ۵/۳۴ (کاربرد اصطلاح برای آفرینش اهریمن).
- ۳- یشت ۱۵/۲، ۳، ۴۳، ۴۴.
- ۴- یشت ۱۳/۱-۱۹.

